

مدل راهبردی (swot) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون رفت

مرتضی شیرودی*

(۱۰۶-۸۱)

چکیده

داعش، گروه تکفیری جدیدی است که از درون القاعده برخاست (تاریخچه) و به دلیل تازگی، ناشناخته باقی مانده و به سبب شیوه برخوردش با پدیده‌های پیرامونی مانند سوریه، عراق و ایران، بر ابهامات آن افزوده شده است! (مسئله) نباید کتمان کرد که تحلیل‌های فراوانی در شناخت داعش صورت گرفته اما بیشتر آنها ژورنالیستی است و مهم‌تر اینکه در تحلیل علمی هیچ‌یک از آنها از مدل swot استفاده نشده است. (پیشینه) لذا پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان بر اساس مدل تحلیلی swot راهبردهای برون‌رفت از بحران رفتار سیاسی داعش - ایران را ارائه کرد؟ (سؤال) به نظر می‌رسد شیوه رفتار متقابل داعش - ایران از مقولات فراوان داخلی و بیرونی تبعیت می‌کند. (فرضیه) از این رو، مقصود مقاله دستیابی به رفتار سیاسی آن دو و عرضه راهبردهای برون‌رفت از بحران موجود بین آنهاست. (هدف) مدل swot که بر قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و قوت‌ها در دو بعد داخل و بیرون استوار است، مقاله را در پاسخ به سؤال، آزمایش فرضیه و

*. استادیار پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - dshirody@yahoo.com

نیل به هدف مذکور یاری می‌کند. (روش) نوبودن کاربرد مدل SWOT در تحلیل داعش - ایران، ترکیب و سنجش تأثیر مؤلفه‌های SWOT درباره داعش - ایران و ارائه چند راهبرد بر پایه آن، نشان دادن ناتوانی SWOT در تحلیل پدیده‌های شرقی، ارائه چند مدل جدید در تحلیل پدیده‌های سیاسی به تاسی از SWOT از نکات جدید این مقاله است. (یافته)

واژگان کلیدی

ایران، داعش، SWOT، راهبرد، عراق و بحران.

کلیات مفهومی

بیان مقدمه، تعریف چند واژه و توضیح نظریه SWOT، کلیات مفهومی نوشتار حاضر را در بر می‌گیرد.

۱. آغاز سخن: به منظور دسترسی به پاسخ سؤال یا آزمایش فرضیه، نخست به تعریف کلمه داعش می‌پردازیم و آنگاه چارچوب نظری مقاله یا همان SWOT، تبیین می‌شود و سرانجام با طرح قوت‌های داخلی (S)، ضعف‌های داخلی (W)، فرصت‌های خارجی (O) و تهدیدها (T) به تحلیل موقعیت‌های ایران در مقابله با داعش بر اساس نظریه SWOT اشاره می‌شود.

۲. تعریف داعش: دولت اسلامی عراق و شام، معروف به داعش، یک گروه خونریز است که با ادعای پیروی از وهابیت که یکی از شاخه‌های اسلام سنی است، در سال ۱۳۹۴/۲۰۱۴ اعلام موجودیت کرد و با تصرف بخش‌هایی از سوریه و عراق، برای تأسیس آنچه خلافت اسلامی می‌نامند، تلاش می‌کند. این گروه، به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدان سلفی جدا شده از شبکه القاعده تأسیس شده است. داعش یکی از افراطی‌ترین گروه‌های به ظاهر اسلامی در جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) است. آنها علاوه بر عراق و سوریه، بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند و گروه‌های هم‌پیمان آن، در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی فعال هستند.

۳. نظریه SWOT: این روش با شناسایی عوامل درونی و درک عوامل بیرونی یک مسئله و با تدوین راهبردها و راه‌های برون‌رفت کوتاه‌مدت و بلندمدت، به حل آن مشکل اقدام می‌کند. مدل مزبور، نگاهی کلان دارد و از این‌رو، کمک می‌کند تا درک روشن‌تری از وضعیت حال و آینده داشته باشیم و تصمیمات درست‌تری بگیریم. به بیان دیگر، SWOT یکی از رایج‌ترین تکنیک‌های تجزیه و تحلیل راهبردی است که محیط‌های داخلی و خارجی (فرایندها) و اثربخشی برایندها را مورد بررسی قرار می‌دهد و نحوه تعامل محیط داخلی و خارجی در یک یا چند سازمان یا کشور را از طریق تدوین استراتژی مناسب، بررسی می‌کند (چارلز، ۱۳۷۰: ۶۷). محیط داخلی، نقاط قوت و ضعف را مورد توجه قرار می‌دهد و محیط خارجی، سازمان یا کشور را در کشف فرصت‌ها و تهدیدها یاری می‌دهد. تحلیل راهبردی، اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی را شامل می‌شود که نتیجه آن به حداکثر رساندن قوت‌ها و فرصت‌ها و به حداقل رساندن ضعف‌ها و تهدیدهاست. این روش که از حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) ساخته شده، از مهم‌ترین ابزارها برای انطباق نقاط قوت و ضعف سازمان یا کشور با فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آن است (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۳). این مدل با بسط و بومی‌سازی نگارنده، چهار گام را پیش روی ما می‌نهد:

الف. شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی متغیر مستقل (داعش)؛

ب. نشان دادن تأثیر نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی بر متغیر وابسته (ایران)؛

ج. تعیین راهبرد برای تقویت قوت‌ها و بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌ها و نیز کاهش ضعف‌ها و تهدیدها؛

د. ارائه مدل پیشنهادی جایگزین (آلترناتیو) در صورت ناتوانی مدل تحلیل راهبردی در

تحلیل راهبردی (swot) رفتار سیاسی داعش

رفتار سیاسی داعش بر پایه مدل SWot بر عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) در وضعیت فعلی استوار است:

نقاط قوت داخلی (S)

بدیهی است که اشاره به سه نکته پیش‌رو در ارائه قوت‌های داعش، تنها به منظور عرضه نمونه است:

۱. عملیات برق‌آسا و اقدام سریع

عملیات برق‌آسا و اقدام سریع، از امتیازات داعش است که بیشتر ناشی از ساختار چالاک و سبک آن است. به علاوه، داعش به صورت خوشه‌ای و پراکنده عمل می‌کند و از این‌رو، به نوعی مدل جنگ چریکی نامتقارن و سیال متکی است و در این راستا، از تجربیات جنگ‌های چریکی جهان، چون ویتنام سود می‌برد. یک جانشینی در قاموس آن، به ندرت دیده می‌شود و تحرک در یک جغرافیای گسترده را بیش از سکون می‌پذیرد؛ لذا توانایی ارتش‌های مدرن و کلاسیک در مقابله و مواجهه با آن، کاهش می‌یابد. بهره‌مندی از اصل شقاوت، رابطه تنگاتنگی با مختصات مذکور دارد. سرعت عمل و شقاوت بالا، چنان توانایی‌ای را به داعش داده است که بیشتر، بسیاری از اهداف سرزمینی خود را پیش از آنکه بدان‌جا برسد، فتح می‌کند. اصل غافلگیری نیز با ویژگی‌هایی که برشمردیم، بی‌ارتباط نیست. البته، کاربرد اصل غافلگیری در پرتو بهره‌گیری از اطلاعات از طرف مقابل امکان‌پذیر است که از سوی سرویس‌های جاسوسی کشورهای غربی، ترکیه و عربستان سعودی در اختیار آن قرار می‌گیرد. داعشی‌ها از روحیه رزم بالایی برای جنگیدن برخوردارند؛ زیرا برای مردن می‌جنگند، نه برای ماندن. آنها بر اساس فتاوی‌ای رؤسای مذهبی خود، تصور می‌کنند که در میدان جهاد قرار دارند و با کشته شدن، به بهشت دست می‌یابند

۲. وجهه مذهبی

داعش، دارای وجهه مذهبی است که آن را به دو صورت، دنبال می‌کند.

الف. سلبی: تاریک‌نمایی بیش از اندازه جهان و محیط پیرامونی به دلیل فرورفتن بشر در جاهلیت مدرن.

ب. ایجابی: نشان دادن یک دنیای زیبا در صورت عمل به دستورات اسلامی و مهم‌تر از آن، ارائه تصویری آرمانی از آخرت.

اقدام سلبی و عمل ایجابی، هم‌زمان دنبال می‌شود که حاصل آن، قصاص تاریخی از همه کسانی است که از زمان ابن تیمیه، مانع از استقرار و اجرای اندیشه‌های سلفی شده‌اند. داعشی‌ها در این راه، تفاوت زیادی بین شیعه و سنی نمی‌گذارند و استراتژی تکفیر شیعه و تهدید سنی را به کار گرفته‌اند. البته نباید فراموش کرد که آنان نسبت به شیعه شدیدترند و از این‌رو، شکستن کمربند شیعه یا شکافتن هلال شیعی، مهم‌ترین مقصد آنهاست. در این صورت، محور مقاومت ایران، عراق، سوریه، فلسطین و لبنان، خواسته و ناخواسته به نفع اسرائیل، هدف‌گیری می‌شود. چنین عقاید یا رویکردی از افکار شیخ! (محمد بن عبدالوهاب) و فرزندان وی (آل شیخ) و از سرزمین نجد برمی‌خیزد که به گواه تاریخ، از فقیرترین سرزمین‌های اسلامی در پرورش عالمان مذهبی است؛ سرزمینی که موطن پیامبری دروغین (مسيلمه) است که از اواخر عمر شریف پیامبر ﷺ به بدعت پرداخت و لذا به کذاب مشهور شد و با پیامبر دروغین دیگری به نام سجاح ازدواج کرد و مهر او را نخواندن نماز صبح قرار داد (سبحانی، ۱۳۷۷ الف و ب: صفحات مختلف).

۳. لجستیک نظامی قوی

لجستیک نظامی قوی از دیگر نقاط قوت داعش است که بیشتر با تصاحب منابع زیرزمینی و فروش آن و کمک‌های خارجی، اتفاق می‌افتد. داعش در عراق با به چنگ آوری نفت کرکوک و درآمدهای حاصل از آن، به سلاح‌هایی چون موشک‌های زمین به زمین پیشرفته دست یافت که در بازار سیاه سلاح هم به سختی به دست می‌آید! در همین راستا، می‌توان به سامانه

ضد هوایی سوپر هاگ اشاره کرد که از ترکیه تهیه می‌کند. بخش مهمی از سلاح‌های داعش از سوی آمریکا و متحدان آن، تأمین می‌شود. گاه آمریکا و متحدان به بهانه بمباران داعش، سلاح بر سر آنان می‌ریزد؛ لذا نباید تعجب کرد که داعش از بیشتر سلاح‌های متعارف برخوردار است. این سلاح‌ها وقتی در اختیار نیروهایی قرار می‌گیرد که از اطاعت‌پذیری بالایی برخوردارند، توان زیادی را به نمایش می‌گذارد.

اطاعت‌پذیری داعشی از سه مقوله ایمان کاذب (بهشت)، تطمیع (پول) و تهدید (اعدام) ناشی می‌شود. تجمیع سه عنصر ایمان کاذب، تطمیع و تهدید از سربازان داعشی، نیروهایی را به تصویر می‌کشد که از آن به اصل خرفتی می‌توان یاد کرد که از رده‌های بالا به پایین به شدت افزایش می‌یابد. اما اصل خرفتی، از زاویه دیگر، امتیازی است که داعش از آن، بهره‌مند است؛ همان‌گونه که سربازان معاویه چنین بودند و سرانجام سپاه برحق علی علیه السلام را زمین‌گیر کردند (بی‌نا، ۱۳۹۴: سایت خبرگزاری فارس).

نقاط ضعف داخلی (W)

از میان نقاط ضعف فراوان داعش، اشاره به چند مورد می‌تواند برای تبیین کلی موضوع کافی باشد:

۱. افراط‌گرایی مذهبی

داعش، گروهی با افراط‌های مذهبی است؛ به گونه‌ای که چنان دایره مسلمانی را تنگ تعریف کرده است که جایی برای غیر، باقی نمانده است. در حالی که تجربه تاریخی نشان می‌دهد هر گروه افراطی، عمری کوتاه و پاییزی دارد و خوش‌اقبال‌ی گروه‌های افراطی، ممکن است تا حدی باشد که پس از اضمحلال سریع توان نیروهای نظامی آنان، تنها افکار آن باقی بماند تا در برهه‌ای دیگر و بر پایه شرایطی مساعد و مناسب، سر برآورد. داعش به دلیل همین ماهیت مذهبی افراطی، به جنگ علیه دیگران، رنگ و بوی مذهبی می‌دهد. اما جنگ‌های مذهبی افراطی هم، عمری کوتاه دارند؛ زیرا تصمیم‌گیری در باره شروع، ادامه یا توقف جنگ، با

جنگ‌جویان نیست، بلکه چنین تصمیماتی در خارج از میدان نبرد و از سوی مفتیان یا بیگانگان گرفته می‌شود. در جنگ‌های مذهبی، بر دو گروه آسیب جدی وارد می‌شود: نخست، پیروان مذاهب اسلامی که از نگاه داعش غیرخودی به شمار می‌روند و از این‌رو، شدت عمل داعش نسبت به آنان بیشتر از دیگران است؛ دوم، مسیحیان و یهودیان و نظایر آنان است که در درجه‌ای پایین‌تر مورد تعرض داعش قرار می‌گیرند. تعدی داعش به مسلمانان، مسیحیان و یهودیان، دیر یا زود اجماع جهانی را علیه آنان برمی‌انگیزد (رضوانی، ۱۳۹۳: ۴۳).

۲. وسعت مناطق جنگی

گستره جغرافیایی جنگ از سوی داعش چنان وسعت یافته است که نقاط آسیب‌پذیری آن را افزایش داده است. البته، داعش درصدد است با افزایش تحرک پارتیزانی بر مشکل وسعت - آسیب، فائق آید؛ اما عمق چنین مشکلی چنان است که ضربه‌پذیری آن را توسعه می‌دهد. با افزایش گستره جغرافیایی جنگ، محدوده نزاع به مرز کشورهای مختلف می‌رسد و منافع ملی آنان را به خطر می‌اندازد یا لاقلاً احتمال خطر، بالا می‌رود و کشورهای همجوار داعش را به مقابله وامی‌دارد. وسیع‌تر کردن میدان نبرد، تأمین سلاح، هماهنگی نیرویی، پشتیبانی نظامی و نظایر آن را دشوارتر می‌سازد.

نکته دیگر آنکه اگر گروه‌های تروریستی سوریه، لبنان و یمن را از جنس داعش بدانیم، گستردن جدال به این کشورها، یک اشتباه استراتژیک است. مهم‌تر از آن، حتی توسعه نزاع‌ها در پهنه یک کشور، آسیب بیشتری را نسبت به وضعیت قبلی، فراهم می‌آورد. جنگیدن در چند جناح، اغلب توجیه نظامی ندارد؛ آن هم از سوی نیروهایی که عمدتاً غیر بومی‌اند و از آشنایی اندک جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی نسبت به آن بوم‌زیست بهره‌دارند. بی‌گمان، وسعت عرصه نبرد مزایایی می‌آفریند، اما زیان‌های آن برای یک نیروی شبه‌نظامی، گسترده و عمیق است. می‌دانیم که بخش قابل توجهی از داعش را نیروهای غیربومی و نیز منافقین تشکیل می‌دهند که از جغرافیای محلی کم‌خبرند (عرب احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

۳. اتکا بر قدرت‌های جهانی

اگر بپذیریم این نیروی تندرو، در بیرون مرزهای اسلامی ریشه دارد و بر پایه لرزان به هم ریختگی منافع قدرت‌های جهانی و میل آنان به کسب امتیاز بیشتر شکل گرفته است، به یقین با تغییر راهبرد قدرت‌ها، مضمحل می‌شود. تغذیه از نیروهای خارجی به جو بدبینی منطقه‌ای از داعش دامن می‌زند و آنان را از حمایت‌های لازم دیپلماتیک دور می‌سازد. به دلیل برخوردار نبودن داعش از خاستگاه ملی و داشتن ماهیت چندملیتی، در صورت از دست دادن حمایت سیاسی قدرت‌های جهانی، جایی برای اقامت و سکنا دائمی نخواهند داشت و به ناچار چنانچه کسی به سراغشان هم نرود، فرو می‌ریزند و محو می‌شوند. راز و رمز موفقیت گروه‌های افراطی، چون داعش، اقدام سریع و تسلط فوری است. چنین گروه‌هایی چنانچه به فرسایشی ساختن جنگ پردازند، هم ناکامی خود را در نیل به اهدافشان افزایش می‌دهند و هم نیروهای نظامی خود را در اثر طولانی شدن زمان جنگ و خستگی آنان از دست می‌دهند؛ زیرا برخی به ماهیت استعماری پشت پرده پی برده و از ادامه همراهی کورکورانه باز می‌ایستند. روشن شدن واقعیت بر برخی و مخالفت و لجاجت برخی دیگر با خواسته‌های توأبیین، نزاع‌ها و دشنام‌های درونی را تشدید می‌کند و انشعاب در بین آنان را در سه سطح افراطی (رادیکال)، معتدل و تفریطی (محافظه کار) پدید می‌آورد (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۳۳).

فرصت‌های خارجی (O)

مقصود از فرصت‌ها در این مقاله، امکاناتی نیست که داعش درون عراق یا سوریه در اختیار دارد، بلکه تسهیلاتی است که در خارج از مرزهای سوریه و عراق برای آن مهیا شده و ظرفیت‌های موجد داعش درون جهان بوده است. به واقع، فرصت، یک وضعیت و حالت خارجی است که به صورت مثبت و سازنده بر تولید و عملکرد داعش تأثیر گذاشته و از این حیث، به مفهوم فرصت در مدل تحلیلی SWOT نزدیک است.

۱. داعش، پدیده غافلگیرانه‌ای است؛ از آن رو که در نظریه تمدنی هانتینگتون، غرب مسیحی در جدال با سایر تمدن‌ها قرار دارد، اما غرب هم اینک با خلق داعش، جنگ تمدن‌ها که وجهی بیرونی دارد را به یک نزاع خونین درون‌تمدنی سوق داده است و خود را از یک طرف دعوا، به نظاره‌گری فعال تبدیل کرده است. نظارت فعال، نه شرکت منفعل غرب در جنگ تمدن‌ها، از یک سو زاینده داعش است و از سوی دیگر، یک فرصت برای داعش به شمار می‌رود؛ زیرا غرب مسیحی برای دور ماندن از خطرات جنگ تمدن‌ها که می‌تواند به سقوط یا کند کردن و یا لااقل متوقف‌سازی تمدن غربی منجر شود، به یقین تمایل جدی به حذف یا بی‌ثمر ساختن اقدامات داعش نخواهد داشت و داعش با آگاهی از این نیت و هدف، همچنان خود را در عرصه قدرت‌های بین‌المللی بلامنازع می‌بیند. طبیعی است زمانی که خیال داعش از کشورهای تأثیرگذار جهانی راحت است، از کشورهایی که در سراسر جهان به ویژه در جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) دنبال روی سیاست‌های قدرت‌ها هستند نیز آسوده خواهد بود و حتی مواضع ضد‌داعشی آنان را جدی نمی‌گیرد و بی‌توجه به عکس‌العمل‌های آنان، توان خود را صرف شکستن و غلبه بر مقاومت‌های محلی کرده است (ساسانیان، ۱۳۹۳؛ سایت پایداری).

۲. داعش بیش از آنکه محصول کنش و واکنش‌های داخلی باشد، ثمره به هم ریختگی نظم پیشین جهانی است. شکل و تعداد قدرت‌های جهانی پس از انقلاب اسلامی و بعد از فروپاشی شوروی، تغییر کرده که حاصل آن، میل و اقدام آمریکا به یک‌جانبه‌گرایی در دو دهه گذشته است که این یک‌جانبه‌گرایی، نیرویی بازدارنده برای قدرت‌های ضعیف‌تر در ایجاد موازنه مثبت در صحنه جهانی پدید آورده است. تغییر در حجم قدرت‌ها، ماهیت قدرت و نیز، سرشت امنیت و منفعت (منافع) را دستخوش دگرگونی ساخته است. در نتیجه، بی‌ثباتی ناشی از تغییر در مؤلفه‌های بنیادین نظام بین‌الملل (قدرت، امنیت و منافع) بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای را حتی در جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) دامن زده است. لذا فرصت به چنگ آمده برای گروه تکفیری داعش، از آن جهت که ایده تاریخی خود در دستیابی به جایگاهی مؤثر در بازی قدرت منطقه‌ای را نزدیک می‌بینند، یک فرصت طلایی غیرمنتظره به حساب می‌آید. روشن

است فضای تاریک، آلوده و غبارگرفته تشدید تضادهای منافع و تلاش قدرت‌های ضعیف‌تر برای اثبات خویش و کسب منافع بیشتر، این امکان را به داعش می‌دهد که با تغییر تاکتیک‌ها بقا و ارتقای موقعیت منطقه‌ای خود را دنبال کند (البوطی، ۱۳۷۳: ۲۷۷).

۳. بازیگران فرامنطقه‌ای در موضوع داعش، متعدّدند اما نباید از تأثیر بازیگران منطقه‌ای غافل ماند. رژیم صهیونیستی از بازیگران فعال به شمار می‌رود که هرگونه اختلاف درونی جهان اسلام را در پیوند با حیات خود تفسیر می‌کند و در دو سطح ایجاد و تداوم جریان یا پدیده‌های گسست‌آفرین اسلامی می‌کوشد. ترکیه نیز برای دستیابی به خواسته‌های تاریخی و یا استراتژیک خویش به ویژه در سوریه و عراق از حامیان جدی داعش در عرصه‌های نظامی است. عربستان سعودی در تلاش برای تصاحب رهبری جهان اسلام یا نزدیک شدن به آن و به منظور جایگزین‌سازی منطقه‌ای ایده‌های وهابیت با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی از مؤسسان داعش است. گرچه ایران برخلاف آن سه کشور بر پایه مصالح دینی (اسلام) به مواجهه با داعش رفته است، اما داعش زمانی که سایر کشورهای اسلامی در کنار ایران قرار نمی‌گیرند و با نگاه و زاویه دید ایرانی به تجزیه و تحلیل داعش نمی‌روند، فرصتی برای حیات بیشتر احساس می‌کند. آنچه در تعدد بازیگران جهانی و محلی داعش جلب توجه می‌کند، بیش از آنکه تضاد منافع باشد، فضای مانوری است که برای داعش می‌آفرینند. اختلاف نظرهای تصنعی یا واقعی درونی و بیرونی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث آسودگی خیال داعش می‌شود (حیدری، ۱۳۸۸: ۴۱).

تهدیدهای خارجی (T)

در تهدیدهای خارجی با این سؤال مواجهیم که داعش با چه خطراتی در بیرون از مرزهای سوریه و عراق روبه‌رو است؟

۱. داعش برای جمهوری اسلامی تهدید کم خطری نیست، اما جمهوری اسلامی خطر جدی‌تری برای داعش به شمار می‌رود؛ زیرا اگر امنیت ملی جمهوری اسلامی از سوی داعش به خطر بیفتد، پلنگ‌های ایرانی گربه‌های تکفیری را به راحتی شکار می‌کنند، ولی

جمهوری اسلامی به انتظار نمی‌نشیند تا با حمله داعش به مرزهایش، دست به عکس‌العمل بزند، بلکه امنیت جمهوری اسلامی تودرتو و پلکانی است و درصدد ایجاد عمق استراتژیک است و لذا خط مقدم‌های خود در مقابل داعش را تنها در مرزهای سرزمینی تعریف نمی‌کند و آن را تا استحکام محور مقاومت و تقویت بیداری اسلامی گسترش داده است. از این‌رو، ایران در همه مکان‌هایی که داعش و گروه‌های تکفیری دیگر فعالند، حضور دارد. مقابله ایران با داعش، عمیق‌تر از مجادله آن با طالبان است؛ زیرا طالبان خود را در مبارزه با کفر ولی داعش بیشتر شیعه را دشمن اصلی خود می‌پندارد. داعش نباید انتظار داشته باشد جمهوری اسلامی، نظامی برآمده از تلاش‌های ۱۴۰۰ ساله ایرانی را در برابر گروهی دست‌نشانده به باد فنا دهد. داعش نباید آنقدر خوش خیال باشد که تصور کند ایران چون سوریه، عراق و لبنان است، بلکه ایران از ظرفیت‌ها و تجربه‌های بالایی برای دفاع از تمامیت ارضی و پاسداری از ارزش‌های انقلابی برخوردار است که مهم‌ترین آن انسجام سرمایه اجتماعی قوی است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۵۸).

۲. در ماه‌های قبل و با ادامه ترکتازی‌های داعش، اجماع جهانی نه در سطح دولت‌ها، بلکه در سطح افکار عمومی علیه آن قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید که هم‌اینک بخشی از آن از سوی روسیه و شورای امنیت و ... تحقق یافته است، اما همچنان می‌توان گفت که افکار عمومی جهانی، چندان نسبت به قتل بی‌گناهان مسلمان عکس‌العمل نشان نداده است، اما ادامه اقدام داعشی‌ها در اذیت و آزار مسیحیان، یهودیان و ... احساسات رسانه‌های گروهی و از طریق آنان، احساسات مردم را بیشتر برمی‌انگیزد؛ به ویژه اینکه رسانه‌ها به همراه بدرفتاری داعش با غیرمسلمانان به انعکاس خبری و تحلیلی آن در گستره وسیع‌تری پردازند. غرب از اواخر دوره امپراتوری عثمانی‌ها نسبت به رعایت حقوق اقلیت‌های دینی در کشورهای مسلمان، حساسیت منفعت‌جویانه نشان داده و در نتیجه، نباید تردید کرد که اقدام مشابهی در مورد داعش صورت نگیرد؛ اگرچه نمی‌توان به تأثیر قاطع چنین اقدامی دل بست، اما حتی اگر این اقدام، فریبی بیش نباشد، گامی به جلو خواهد بود. البته برخورد غرب با داعش که ناقض حقوق مسلمانان و مسیحیان و یهودیان و ... است، محتاطانه

می‌باشد. از یک سو، چندان در حمایت و پشتیبانی داعش نمی‌کوشد و از سوی دیگر، حداقل برای پاسخگویی نسبت به شهروندان مالیات‌پرداز غربی، به تأیید آشکار و گسترده آن دست نمی‌زند. به واقع، سیاست نه تکذیب و نه تأیید را برگزیده و ادامه خواهد داد که در ماهیت خویش، تأیید و در ظاهر، سکوت یا بی‌تفاوتی‌ها را منعکس می‌سازد (شبکه العالم، ۱۳۹۴: ۱).

۳. می‌توان چنین تحلیل کرد که یکی از علل تأسیس گروه‌هایی مانند داعش، النصره و ... شکاف و تضعیف طالبان است. همچنین می‌توان نتایج پدید آمدن داعش را در نقطه مقابل طالبان دانست. زمانی که چنین هدفی محقق شود، داعشی وجود نخواهد داشت و چه بسا، گروه دیگری جایگزین آن شود. نگاه به تاریخ گروه‌های دست‌نشانده در صد سال اخیر ملل اسلامی، مؤید تحلیل مذکور است. از سوی دیگر، چنانچه داعش را محصول بی‌ثباتی در نظم بین‌المللی بدانیم، هرگونه تغییر در فضای جهانی که نوع و یا تفسیر از منافع ملی کشورهای قدرتمند را تغییر دهد، به ضربه پذیری داعش کمک می‌کند. بعید نیست که جهل و اقدامات جاهلانه ناشی از آن، در بخش اعظم نیروهای داعش (رده‌های پایین) قدرت‌های سازنده را چون طالبان از ادامه حمایت از داعش مأیوس کند. همچنین هرگونه توافق بین حامیان و غیرحامیان داعش، می‌تواند آن را آسیب‌پذیر کند و سرانجام به عمر کوتاه آن خاتمه دهد. البته سخن بر این نیست که فکر داعش را می‌توان از طریق نظامی نابود کرد، بلکه مراد آن است که گروه داعش می‌تواند قربانی بازی قدرت و منافع بین‌المللی گردد و جای خود را به گروه تکفیری دیگری دهد که چون داعش، عمر مصرف آن باقی است. بی‌شک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای بالفعلی که برای داعش برشمردیم، همه آن چیزی نیست که در برابر اوست. به علاوه، هدف این مقاله هم برشردن همه آنها نبوده، بلکه تنها به بخش نازل مؤلفه‌های آن توجه شده تا راه را برای تحلیل داعش در پلان کلی مدل راهبردی SWOT فراهم کند (ابوستار، ۱۳۹۳: سایت فرارو).

خلاصه تحلیل راهبردی (SWOT) رفتار سیاسی داعش

مؤلفه‌ها	مشخصه ۱	مشخصه ۲	مشخصه ۳	دیگر موارد
قوت‌ها (S)	تحرک سریع	وجهه مذهبی	لجستیک قوی	روحیه بالای نیروها و ...
ضعف‌ها (W)	افراطی‌گری	وابستگی خارجی	جنگ مذهبی	آسیب‌پذیری زیاد و ...
فرصت‌ها (O)	سیال بودن نظم جهانی	بی‌ثباتی منطقه‌ای	تعدد بازیگران	حمایت قدرت‌ها و ...
تهدیدها (T)	جمهوری اسلامی	اجماع بین‌المللی	تغییر سیاست‌های جهانی	حزب‌الله و ...

جدول شماره ۱

تحلیل موقعیت‌های اخیر ایران در مقابل داعش بر اساس swot

مدل SWOT تنها به تحلیل یک پدیده در چهار پلان قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در دو بخش عوامل داخلی و خارجی می‌پردازد، اما این مقاله با بسط مدل SWOT به تحلیل تأثیر قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای داعش بر جمهوری اسلامی اشاره می‌کند تا راه برای تعیین راهبردهای ایران در برابر داعش فراهم شود:

۱. تصویرسازی آسیب‌پذیری قوت‌ها و ضعف‌ها (SW)

با بسط SWOT می‌توان به این نکته دست یافت که قوت‌های داعش در تحلیل ضعف‌های جمهوری اسلامی به کار می‌رود. در این صورت، نوعی حرکت خطی از $S \leftarrow W$ اتفاق می‌افتد و وضعیت SW را دامن می‌زند که برخی از مصداق‌های آن عبارت است از:

۱-۱. معارضان کرد، سال‌ها در جدال با جمهوری اسلامی هستند. این موضوع، نشانه‌هایی در بلوچستان، خوزستان و ... هم دارد. گرچه وجود گروه‌های معارض و نه مردم مخالف، از قوت جمهوری اسلامی حکایت می‌کند، اما دل‌مشغولی برای نظام و تبلیغات علیه آن را شکل می‌دهد. بنابراین، داعش که نمی‌تواند قدرتی بیش از این معارضان به نمایش بگذارد، قادر است از حمله پارتیزانی علیه ایران، بهره تبلیغاتی ببرد. تحرک بالا و وحشت‌آفرینی داعش زنگ خطری است که برخی از هم‌وطنان را نگران می‌سازد و معاندانی

را علیه نظام برمی‌انگیزد یا آماده شورش می‌سازد. غافل‌گیری از سوی داعش که قطعاً با کمک نیروهای داخلی صورت می‌گیرد را نباید دست کم گرفت. لااقل چنین اقداماتی، مرزهای سرزمینی را آسیب پذیر می‌کند (موسوی، ۱۳۹۳: سایت تدبیر).

۱-۲. گرچه سیاه‌نمایی داعش علیه ایران، تأثیر داخلی اندکی به همراه دارد اما برد خارجی آن بیشتر خواهد بود. این سیاه‌نمایی‌ها ممکن است عده‌ای را در درون، به سوی آنان بکشاند یا زمینه‌های مساعد همکاری آنان با عناصر داخلی را فراهم کند. تأکید داعش بر اختلاف ریشه‌دار مذهبی با شیعه ایرانی و نشان دادن خطر آن در هلال شیعه، زمینه‌های جذب نیرو و امکانات بیشتری برای او در جهان اسلام را شکل می‌دهد. ورود حزب‌الله لبنان در مبارزه با گروه‌های تکفیری، عناد آنان را نسبت به اعضای محور مقاومت از جمله ایران، تشدید کرده است. آمادگی برخی از عناصر داعش برای کشته شدن یا به تعبیر آنان شهادت، تصور حق بودن آنان را در نیروهای سست‌ایمان رقم می‌زند. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که تصویرسازی از بهشت و لزوم دستیابی به آن از راه جهاد، به ارزش‌های داخلی جهاد و شهادت تهنه می‌زند (همان).

۱-۳. داعش می‌کوشد خود را به مرزهای ایران نزدیک‌تر کند. هدف آنان از این نزدیکی، ایجاد هراس بیشتر است و دغدغه فراوانی را برای مردم و دولت ایران پدید می‌آورد. داعش با ادعای دسترسی آسان به سلاح حتی از طریق بازارهای سیاه و پیوستن مستمر نیروی رزمی مردان و در درجه کمتر، زنان از اقصی نقاط دنیا به داعش، درصدد است حیطة عمل جمهوری اسلامی را در مواجهه با آن کاهش دهد. البته همکاری سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی غرب، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه، نفوذ ایران در میان داعشی‌ها را کند و خطرناک‌تر می‌کند. آنان با پول فراوانی که در بین نیروهای خود هزینه می‌کنند و با دسترسی شرعی! در رفع نیازهای جنسی از طریق جهاد نکاح یا از طریق زنان اسیر، می‌کوشند نیاز خویش را به بیرون کاهش و آمادگی خود را برای نبرد، توسعه دهند. چنین وانمود می‌شود که زندگی در شرایط سخت و بیابانی، آمادگی‌های آنان را در مواجهه با خطرات طبیعی و غیرطبیعی بالا می‌برد و تحمل شرایط طاقت‌فرسا را مهیا می‌کند. گسترش سرطانی و زایش قارچی از دیگر مشخصه‌های خطرناک داعش به شمار می‌رود. (بورگارت، ۱۳۹۳: سایت همشهری)

۲. معناداری رابطه ضعف‌ها و قوت‌ها (WS)

بر پایه روش تحلیل SWOT می‌توان ضعف‌های داعش را قوت‌های جمهوری اسلامی ایران برشمرد که از حرکت W (ضعف) به سوی S (قوت) WS را می‌آفریند.

۲-۱. جمهوری اسلامی بر خلاف داعش، نگاه حداکثری به مسلمانان دارد. برگزاری هفته وحدت و تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی، تنها دو نشانه از ماهیت وحدت‌گرایانه ایران است. این رویکرد وحدت‌بخش، موجب می‌شود تا مسلمانان را از خود دور نکند و آنان را مرتد و کافر نداند. همچنین به برادران دینی و موحدان مسیحی و یهودی نگاه خشم‌آلود ندارد و در روابط با هم‌مسلمانان، به نیروی نظامی نمی‌اندیشید و جنگ مذهبی را به شدت زیان‌بار می‌بیند. طبیعی است که جمهوری اسلامی می‌تواند از این امکان در سوق دادن دولت‌ها و به ویژه ملت‌های مسلمان، در مخالفت با داعش سود ببرد. به علاوه، به استقلال سیاسی جمهوری اسلامی در بسیج افکار عمومی جهان اسلام علیه داعش کمک می‌کند (حیدری، ۱۳۸۸: ۲۵).

۲-۲. به همان میزانی که گستردگی جغرافیایی متغییر داعش برای آن مصیبت‌بار است، وسعت سرزمینی با ثبات، برای جمهوری اسلامی نویدبخش است. استقرار نهادینه شده در یک سرزمین وسیع، برخورداری از امکانات مادی وسیع، جمعیت بالای آماده نبرد، هماهنگی مستحکم دولت و ملت، نیروی نظامی قوی و مجهز و ... قدرتی شگرف به ایران می‌بخشد که آن را قادر می‌سازد حتی در زمانه‌ای (دفاع مقدس) که همه علیه آن هستند به پیروزی دست یابد. ایران با چنین پتانسیل‌هایی، توانایی پدید آوردن عمق استراتژیک درون مرزهای داعش را دارد و در یک برخورد جدی با داعش، از پراکندگی جغرافیایی میادین نبرد رنج نخواهد برد. نیروهای وسیع مردمی با مشخصه ایمانی قوی‌تر از نیروهای داعشی، رو در روی آنان قرار می‌گیرند. توان نظامی مستقل، تجربه جنگ‌های منظم و نامنظم، خودکفایی در تولید سلاح، درگیر نبودن در جبهه‌های مختلف، وحدت رهبری دینی، سیاسی، نظامی و ده‌ها مؤلفه دیگر در ایران، داعش را با مرگ مواجه می‌کند (ملکی، ۱۳۹۳: ۸).

۲-۳. در نقطه مقابل داعش، ایران کشوری مستقل است و در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها، به قدرتی وابسته نیست و حتی در حوزه‌های مذهبی هم از استقلال بهره‌مند است. با نظر دیگران به جنگ با داعش نمی‌رود و با نظر کسی از ضرورت برخورد با داعش کوتاه نمی‌آید. این موضع، اقدام ایران در برخورد با داعش را موجه می‌کند و ایران را در برابر با داعش، کامیاب می‌سازد؛ حتی فرسایشی شدن جنگ، ایران را کمتر از داعش دچار آسیب می‌کند و در فرایند فرسایشی شدن جنگ نیز ریزش و رویش به ترتیب در جناح مقابل و جبهه خودی، افزایش می‌یابد؛ زیرا ماهیت پلید سازندگان و فرماندهان داعش با طولانی شدن جنگ، بر داعشی‌ها نمایان‌تر و حقانیت هرگونه برخورد با داعش، روزبه‌روز درون مرزهای خودی افزایش می‌یابد؛ زیرا داعشی‌ها به جنایت‌های بیشتری دست می‌زنند یا جنایت‌های پیشین آن، بر ملاتر می‌شود (همان).

۳. واکاوی تأثیر فرصت‌ها در تولید تهدیدها (OT)

در مدل بسط یافته SWOT فرصت‌هایی که برای داعش وجود دارد، تهدیدهایی را برای ایران خلق می‌کند و در مسیر حرکت از مقصد (O) به مقصود (T) وضعیت OT را تولید می‌کند:

۳-۱. داعش، ساخته غرب و برخی از کشورهای منطقه است که دیگر کشورهای دست‌نشانده غرب نیز با حمایت یا سکوت در برابر آن، از حامیان و مدافعان داعش به شمار می‌روند. ظاهر شدن داعش در عراق و سوریه، آمریکا را وسوسه کرده که از دو جهت، خود را به مرزهای غربی ایران نزدیک‌تر کند. از یک سو، داعش را مستقیم و غیرمستقیم در جهت حفظ منافع آمریکا حفظ کند و از سوی دیگر، به بهانه سرکوب داعش، مجدداً به عراق و سوریه بازگردد و بخشی از توان ایران و کشورهای عراق و سوریه را که باید معطوف رفاه مردم و سازندگی کشورشان شود را به دفع خطر احتمالی از داعش بکشانند. نتیجه اینکه نوعی گسست در فرایند رو به رشد ایران به توسعه ایجاد کرده تا راحت‌تر از گذشته بتواند به تحمیل خواسته‌هایش به ایران پردازد؛ اهدافی که با پیشروی‌های ارتش عراق و سوریه دور از دسترس شده است. تأثیر سلفی‌گری افراطی به درون مرزهای ایران به ویژه در مناطق

سنی‌نشین غرب کشور از دیگر پیامدهای ظهور داعش است که از سوی غرب مخالف ایران، حمایت می‌شود. آلوده‌سازی مناطقی از کشور عراق می‌تواند عواقب امنیتی درازمدت برای جمهوری اسلامی پدید آورد (دهشیری، ۱۳۹۴: سایت هابیلیان).

۳-۲. داعش حاصل بی‌ثباتی در روابط بین‌المللی است، اما خود نیز به این بی‌ثباتی، دامن زده است. بی‌ثباتی جهانی به گسترش تروریسم کور و توسعه جرایم سازمان‌یافته کمک کرده است که ایران از قربانیان آن است. از سوی دیگر، داعش بازمانده جنبش کور القاعده است که در ربع آخر قرن بیستم در مناطقی از سودان، سومالی، شاخ و شمال آفریقا به منظور جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی و گسترش شیعه شکل گرفت و رفته‌رفته با قدرت‌یابی بیشتر و دریافت حمایت افزون‌تر غربی خود را به سمت مرزهای شرقی (افغانستان)، شمالی (چچن)، جنوبی (قطر) و غربی (عراق) ایران سوق داد و به نوعی هلال سنی را برای محاصره گام به گام ایران پی گرفت. در همین راستا، نباید به تصویر خطر تاریخی که آنان از شیعه ساخته‌اند بی‌اعتنا بود. داعش از سربازان چندملیتی برخوردار است، اما به نظر می‌رسد سربازان غربی داعش، نیروهای سرخورده‌ای هستند که غرب با گیسل آنها به جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) درصدد دور کردن خود از شر آنهاست؛ همانطور که یهودیان را از اروپای غربی به فلسطین فرستاد (عباس زاده، ۱۳۸۸: ۵۲).

۳-۳. داعش تضادهای منطقه‌ای علیه ایران را افزایش داده است. ترکیه به دلیل حمایت نظامی و سیاسی از گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق در نقطه مقابل ایران قرار گرفته است و این موضوع بر سایر روابط دو کشور سایه افکننده است. اسرائیل با داعش و در کنار آن، هم خطر خود علیه ایران را افزایش داده و هم خطری جدید به نام داعش برای ایران و محور مقاومت ایجاد کرده است. روابط ایران و عربستان سعودی که در دوره سازندگی و دوره اصلاحات بهبود یافته بود به سردی گراییده است. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در یک سکوت معنادار و در یک موضع بی‌طرفی به گسترش داعش کمک کرده‌اند. کشورهای غربی نیز بار دیگر سردی روابط خود با ایران را تجربه می‌کنند؛ زیرا آنها خواهان سقوط بشار

اسد هستند که ایران در کنار او قرار دارد. روسیه و چین از ایران که حرکتش دائماً با گروه‌هایی چون طالبان و داعش کند می‌شود، ناخرسند نیستند (جعفریان، ۱۳۹۳: سایت هایلیان).

۴. بازخوانی تأثیر تهدیدها در زایش فرصت‌ها (TO)

SWOT بسط داده شده، یادآور می‌شود که تهدیدهایی که متوجه داعش است به صورت طبیعی زمینه‌هایی را پدید می‌آورد که برای جمهوری اسلامی فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد و این همان فرایند $TO = T \leftarrow O$ را رقم می‌زند.

۴-۱. روسیه از گسترش بیش از اندازه داعش، ناخشنود است؛ زیرا از یک سو، متحدان دیروز و امروز خود را در خطر می‌بیند و از سوی دیگر، افراط‌گرایی وهابی و سلفی، مسلمانان آن کشور و سایر کشورهای مسلمان و دارای مسلمان آسیای مرکزی را با خطر مواجه کرده است. چین نیز نگرانی مشابهی دارد، اما بیشتر نگران از دست دادن بازارهای تثبیت شده خود در مناطق درگیری است؛ همچنین مسلمانان سنی زیادی در چین زندگی می‌کنند که حاکمان این کشور را از پیوستن آنها به تکفیری‌ها بیمناک می‌سازد. علاوه بر اینکه دو کشور روسیه و چین از سوی تکفیری‌ها، کافر به شمار می‌روند و به دلیل تضاد سیاست‌های این دو کشور با غرب، می‌توانند خواسته و ناخواسته مورد غضب تکفیری‌ها قرار گیرند. عراق و سوریه به سبب حاکمیت شیعه بر آن دو، شدیداً مورد حمله و تهاجم گروه‌های تکفیری قرار دارند، ولی چهار کشور روسیه، چین، عراق و سوریه در کنار ایران قرار دارند یا لاقلاً با سیاست‌های ضد تکفیری ایران مخالفتی ندارند (نعمان، ۱۳۹۳: سایت بهارنیوز).

۴-۲. ایران باید با کار بست همه ابزارهای داخلی و بیرونی در قالب دیپلماسی عمومی تلاش کند تا افکار عمومی جهانی را به خطرات جهانی گروه‌های تکفیری مانند گسترش افراط‌گرایی و توسعه تروریسم، نقض حقوق شهروندان و نظایر آن، جلب کند و حتی اجماع نیم‌بند جهانی را که گاه به دلیل تعرض تکفیری‌ها به مسیحیان یا یهودیان تشدید می‌شود زنده نگه دارد. چنین اقدامی به معنای انداختن توپ به زمین دشمن است که با بهره‌گیری از فضای مجازی، تریبون‌های بین‌المللی، رسانه‌های جهانی و ... صورت می‌گیرد. نشان دادن

چهره رحمانی اسلام و نفی وحشی‌گری تکفیری، تأکید بر وابستگی آنان به غیرمسلمانان، تصویرسازی جهل آغشته به خشونت آنها، برجسته‌سازی اقدامات ضدانسانی داعشی‌ها و نظایر آن، فرصت‌های جدیدی را برای جمهوری اسلامی می‌آفریند (الزرقاوی، ۱۳۹۳: سایت آنا).

۴-۳. گروه‌های تکفیری، اصول مشترکی دارند و از اختلافاتی نیز رنج می‌برند؛ از جمله اینکه فرماندهی آنها مجزا است و لذا از کسانی چون ابوبکر بغدادی، ایمن الظواهری، ابوعمر انصاری و ... در فرماندهی آنان نام می‌برند. از طرفی نیز فراگیری گروه‌های تندرو و افراطی تکفیری در بیشتر مناطق جهان اسلام نظیر عراق، افغانستان، لبنان، سوریه، یمن، مصر، چین، سودان، سومالی، تونس، پاکستان، الجزایر و ... دیده می‌شود. بین گروه‌های تکفیری و وهابیت نیز تفاوت وجود دارد. بیشتر گروه‌های تکفیری از بستر وهابیت برخاسته‌اند اما هر گروه تکفیری را نمی‌توان وهابی نامید. تفکیک جغرافیایی، فرماندهان متعدد و عقاید متفاوت، کار را در مواجهه نظامی و حتی فرهنگی با داعش تسهیل می‌کند (هرسیج و توپسرکانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

نمودار زیر فرایند ترکیب عناصر سازنده SWOT^۱ را به عنوان مدل رفتاری در تعامل بین

داعش - ایران در وضعیت‌های اخیر نشان می‌دهد:

۱. قوت‌های داعش ← ضعف‌های ایران = SW

۲. ضعف‌های داعش ← قوت‌های ایران = WS

۳. فرصت‌های داعش ← تهدیدهای ایران = OT

۴. تهدیدهای داعش ← فرصت‌های ایران = TO

Ta	Oa	Wa	Sa	مؤلفه‌ها ← ایران (a) ↓ داعش (d) ۲
st	so	(۱) SdWa✓	-	Sd
wt	wo	-	(۲) WdSa✓	Wd
(۳) OdTa✓	-	Ow	os	Od
-	(۴) TdOa✓	Tw	ts	Td

جدول شماره ۲

۱. مراد از قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در دو بخش ایران و داعش، وضعیت سال‌های اخیر است.

۲. a نشانه ایران و d نشانه داعش است.

داعش، جمهوری اسلامی و راهبردهای مورد عمل

در مدل بسط یافته SWOT، تأثیر متقابل داعش - ایران، مدل‌های رفتاری طرفین را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، ضعف داعش، قوت ایران را می‌آفریند. (قوت‌های داعش ← ضعف‌های ایران = SdWa) اما در یک قدم به جلوتر و در توسعه بخشی به مدل‌های رفتاری به منظور دستیابی به راهبردهای دو طرف (داعش - ایران) می‌توان SdWa را در Od ضرب کرد که حاصل آن SdWaOd یا به اختصار SWD است. این نحوه استخراج راهبرد در موارد مشابه، نتایج گوناگونی به دنبال دارد که به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

۱. تلاش در تعمیق عمق استراتژیکی

عمق استراتژیکی به معنای ایجاد فاصله بین یک کشور و یک پدیده با کشور و پدیده دیگر است. این فاصله گاه فیزیکی و گاه غیرفیزیکی است. هدف از ایجاد عمق استراتژیکی، کاهش ضربه پذیری از دشمن یا کشور یا هر پدیده مقابل است. از این رو، عمق استراتژیک، یک نیاز حیاتی برای بقا است و کاربست آن، برای همه و در همه حال، اجتناب ناپذیر است. عمق استراتژیک از فرمول ضعف‌های اخیر داعش ← قوت‌های فعلی ایران = WdSa و ترکیب آن با قوت‌های بالقوه ایران (ضعف‌های اخیر داعش ← قوت‌های فعلی ایران) ← قوت‌های بالقوه ایران = WdSaSa (به اختصار WSS) به دست می‌آید. به این معنا که داعش به ایران نزدیک شده و این امر، تضعیف داعش و قوت بالفعل ایران را به دنبال دارد؛ به علاوه، ایران به دلیل امکانات و ظرفیت‌های بالایی مانند توانایی در ایجاد عمق استراتژیک، می‌تواند به صیانت از خود و سرکوب داعش بپردازد.

انقلاب اسلامی و مقوله صدور آن، عمیق استراتژیک ایران را چنان بالا برد که حتی جنگ هشت ساله عراق علیه ایران با همه حمایت‌های غرب، با پیروزی ایران به پایان رسید. انقلاب اسلامی برآمده از آن نیز، همه خطرات جدی و بنیان‌برافکن علیه نظام جمهوری اسلامی را بی‌ثمر کرد و اینک که به اعتراف همگان، امواج انقلاب اسلامی به شمال آفریقا و قلب خاورمیانه رسیده، عمق استراتژیکی ایران به کابوسی برای غرب تبدیل شده است. فراتر

از حضور ایران در قلب بیداری اسلامی، نقش ممتاز جمهوری اسلامی در سوریه، به غرب و دولت‌های دست‌نشانده آنان فهماند که سقوط دولت بشار اسد به دلیل باقی ماندن ایران در کنار سوریه، غیرممکن است. در واقع، ظرف چند سال درگیری در سوریه علی‌رغم حمایت‌های مختلف غربی از گروه‌های ضددولتی، این ایران بود که توانست با اعطای مساعدت‌های انسان‌دوستانه خود به سوری‌ها از جمله اجازه ورود حزب‌الله به خاک سوریه، ورق را برگردانده و دولت بشار اسد در حال سقوط را نه تنها ابقا کند، بلکه قدرت بیشتری در مقابله با مخالفان به او بدهد؛ موضوعی که مسئولان ایرانی پیش‌تر بدان اشاره کرده بودند: «ریاست جمهوری بشار اسد تا انتخابات سال ۲۰۱۴ ادامه خواهد یافت و حتی یک روز قبل از انتخابات نیز اسد کنار نخواهد رفت و این همان اتفاقی بود که رخ داد».

(خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف: سایت رهبری)

با افزایش قدرت ایران در شمال آفریقا و سوریه، آمریکا به دنبال پیاده‌سازی اسلام آمریکایی و بر اساس «سند اولویت‌های دفاعی آمریکا در قرن بیست و یکم» و لزوم بسنده کردن به جنگ‌های محدود و پارتیزانی، داعش را در سوریه و عراق پدید آورد تا از آن برای مقابله با الگوی اصیل اسلامی، یعنی انقلاب اسلامی (ایران) و بیداری اسلامی (آفریقا) استفاده کند (هابسام، ۱۳۹۳: سایت رهبری).

آن‌ها برای فشار بیشتر به ایران، داعش را روانه مرزهای ایران کردند. این مسئله ایجاب می‌کند که ایران بار دیگر با بازخوانی عمق استراتژیک خویش در جناح غربی، جنگ در عمق را گسترش دهد. از اقداماتی که در شرایط جدید باید صورت بگیرد، به فرموده مقام معظم رهبری:

ایفای نقش در پدید آوردن نظمی جدید است... و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم. توجه بکنیم که ظرفیت‌های ما و توانایی‌های ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم؛ ما در بیرون کشور هم ظرفیت‌های

مهمی داریم؛ طرفدارانی داریم، عمق راهبردی داریم؛ در منطقه، در کشور؛ بعضی به خاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان، بعضی به خاطر مذهب شیعه؛ اینها عمق راهبردی کشور هستند؛ اینها جزو توانایی‌های ما هستند؛ از همه این توانایی‌ها باید استفاده کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ ج: سایت رهبری).

۲. اقدام سریع در عملیات پیش‌دستانه

منظور از این اقدام، تنها در ابعاد نظامی نیست گرچه عمل نظامی بعد مهم آن را تشکیل می‌دهد، اما قطعاً مهم‌ترین بخش تأثیرگذار آن نیست. اقدام سریع از فرمول تهدیدهای اخیر داعش ← فرصت‌های فعلی ایران=TdOa و ترکیب آن با فرصت‌های بالقوه ایران (تهدیدهای بالفعل داعش ← فرصت‌های بالفعل ایران ← فرصت‌های بالقوه ایران=TdOaOa به اختصار TOO) به دست می‌آید. به این مفهوم که تحرک سریع داعش، تهدیدی علیه ایران است، اما فرصت‌های بالفعلی برای ایران مانند توجیه اقدام نظامی علیه داعش را پدید می‌آورد که این امر، در پی ترکیب با فرصت‌های بالقوه‌ای چون ائتلاف ضد داعشی غرب! امکان مشابهی را برای ایران فراهم می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تحرک سریع از مختصات داعش است؛ به گونه‌ای که توانست موصل را ظرف چند ساعت اشغال کند و ظرف سه روز شصت روستای کردنشین را اشغال نماید. در این شرایط، اگر داعش بداند که عملیات علیه آن غیرسریع است و ممکن است چند سال طول بکشد، مواضع خود را چنان مستحکم می‌کند که پیروزی بر آن، دشوار خواهد شد. عملیات سریع داعش نیاز به اقدام سریع از همان جنس دارد، اما سخن ما فراتر از اقدام سریع علیه داعش است که زمان آن، بلافاصله پس از عملیات نظامی داعش است، بلکه سخن آن است که با تعیین مسیر حرکت و پیش‌بینی تحرکات آتی داعش باید با اقدام سریع پیش‌دستانه، مانع دستیابی آن به اهداف مورد نظر شد. چنین اقدامی به دلیل ماهیت عملیات نظامی، باید جنگی تمام‌عیار از نوع جنگ کم‌شدت باشد و در این راه، ائتلاف با کشورهای هم‌جهت با ایران، البته با رهبری ایران، ضروری است. درک خطر قریب‌الوقوع از ناحیه داعش، گام نخست در اقدام عاجل و

همه‌جانبه‌علیه آنان است. پس از آن، خطر داعش باید به اولویتی ملی تبدیل شود تا همه نیروها و امکانات به سمت دفع این خطر جهت یابند. طبیعی است تحقق این امر مرهون کنار گذاشتن اختلافات و شرکت در جبهه‌ای واحد است؛ زیرا در غیراین صورت، همه چیز آسیب می‌بیند.

ایجاد طرحی ملی برای مقابله با داعش بر اساس تجمیع نقاط قوت و کاربست فرصت‌ها و نیز کاهش ضعف‌ها میسر است، اما نباید اقدام سریع در عملیات پیش‌دستانه را تنها در عملیات نظامی خلاصه کرد؛ بلکه عملیات پیش‌دستانه از نوع فرهنگی، تأثیر شگرف‌تری دارد؛ زیرا به فرموده مقام معظم رهبری:

پشتوانه شما همین ایمان و همین نهضت جهانی اسلام است. نهضت جهانی اسلام یک شخص نیست که ترورش کنند، یک سازمان نیست که منحلش کنند، یک دولت نیست که منزوی‌اش کنند، بلکه یک پدیده فرهنگی و توده‌ای و عمومی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: سایت رهبری).

وحشی‌گری داعش در تعرض به جان، مال و عرض مردم، افکار عمومی داخلی و بیرونی را آماده پذیرش و تأیید هرگونه اقدام علیه داعش می‌سازد. در این شرایط، افکار عمومی به استقبال اقداماتی می‌رود که سریع‌تر شکل می‌گیرد و به نظر نمی‌رسد که چندان در کیستی اقدام‌کنندگان تأمل نمایند؛ زیرا افکار عمومی، جهان یا بخشی از آن یا به بیان دیگر، امنیت خود و دیگران را در خطر می‌بیند و سرکوب خطر فعلی و بالقوه داعش را طلب می‌کند. هم‌زمان، دامن زدن به اختلاف داخلی به شیوه‌های مختلف می‌تواند مؤثر و کارساز باشد. ادامه وحشی‌گری داعش به سود کشوری چون ایران است که به دلیل نزدیکی جغرافیایی و برخورداری از زمینه‌های فرهنگی مشترک با مردم عراق، قادر است سریع‌تر و مؤثرتر از دیگران علیه این وحشی‌گری وارد عمل شود؛ دیگرانی که در صداقت آنان در برخورد با داعش تردید و چه بسا یقین وجود دارد.

اقدام سریع ایران علیه داعش در ابعاد نظامی و فرهنگی می‌تواند عمق نفوذ آن را در عراق و در منطقه افزایش دهد. تلاش در تعمیق عمق استراتژیکی و اقدام سریع در عملیات

پیش‌دستانه، همه استراتژی‌ها یا راهبردهایی نیست که جمهوری اسلامی می‌تواند و یا توانایی کاربست آن را علیه داعش دارد، بلکه هدف این مقاله، نشان دادن نحوه استخراج راهبردهایی است که از ترکیب یا بازی با ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای طرفین به دست می‌آید. در واقع، هدف ما ارائه شیوه‌ای جدید در دستیابی به استراتژی‌های تازه‌ای است که می‌توان با تکیه بر شرایط اخیر و بالقوه داخلی و بیرونی بدان دست یافت. بنابراین، مقاله حاضر منکر استراتژی‌های دیگری چون مصونیت‌بخشی، کمینه‌سازی، ائتلاف سازنده، عملیات استشهادی، سوق دادن عرصه نبرد به اروپا و نظایر آن نیست، اما بر روی این نکته مجدداً تأکید می‌کند که ارائه هر استراتژی به دور از سلیقه‌های شخصی و گرایش‌های دیپلماتیک باید بر عوامل روشی در مدل تحلیلی SWOT استوار باشد.

نتیجه

۱. کاربست و یا به کارگیری مدل تحلیلی SWOT در تبیین وضعیت داعش - ایران، تمرینی برای بهره‌گیری وسیع‌تر از آن در موارد مشابه به شمار می‌رود؛ اما تلاش برای بومی‌سازی مدل تحلیلی SWOT می‌تواند ما را به راهبردهای جدیدتری سوق دهد. مثلاً ترکیب وجوه مختلف قوت‌های داعش ← ضعف‌های ایران + قوت‌ها یا ضعف‌های این و یا آن و یا فرصت‌های داعش ← تهدیدهای ایران + فرصت‌ها یا تهدیدهای آن و این، راهبردهای تازه‌ای را فراهم می‌آورد.

۲. مهم‌تر این است که می‌توان گامی فراتر برداشت. این گام، ارائه مدلی دیگر در تحلیل حوادث است. به عنوان مثال: SOWT به جای شروع از نقطه داخل بر ترکیب آن دو در آغاز و در هم آمیختن ابعاد ایجابی آن (قوت = S و فرصت = O) تأکید می‌کند یا نقطه آغاز در مدل wtSO ضعف‌ها و تهدیدها به سوی قوت‌ها و فرصت‌ها است. شاید بهتر باشد برای کشورهای شرقی، عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف) به دلایل تأثیر تعیین‌کننده استعمار، تقدم یابد.

۳. همان‌گونه که در متن مقاله انعکاس یافته، مدل تحلیلی SWOT در بازکاوی وضعیت راهبردی متقابل داعش - ایران با توجه به فعالیت اخیر ایران برای مقابله با داعش یا کاربرد استراتژی توصیف شده به اقدام سریع در عملیات پیش‌دستانه، رسا نیست؛ زیرا مدل تحلیلی SWOT کمیت‌گرا است و در بازتاب دادن موضوعات غیرکمی و یا در انعکاس راهبردهای دول و ملل شرقی که از آموزه‌های دینی یا متأثر از آن، تبعیت می‌کنند از گویایی و شفافیت چندانی برخوردار نیست. این امر، تغییر و فراتر از آن، ابداع مدل‌های جایگزین را در بازشناخت پدیده‌های مشرق‌زمین گوشزد می‌کند، اما نباید در بهره‌مند شدن از دستاوردهای روشی غرب غفلت کرد.

کتابنامه

- ابوستار (۱۳۹۳). «گفت و گو با یکی از مقامات داعش»، سایت فرارو، ۷ آبان.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶). «روش تحلیل راهبردی»، حصون، شماره ۱۳، ص ۵۷ - ۳۹.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). القاعده از پندار تا پدیدار، تهران، مؤسسه اندیشه سازان نور.
- بورگارت، لوری پلوتکین (۱۳۹۳). «درباره منابع مالی داعش»، سایت همشهری، ۵ تیر.
- بورن، پیتر وان (۱۳۹۴). «می‌خواهید داعش را شکست دهید»، سایت خبرگزاری فارس، ۱۵ دی.
- البوطی، رمضان (۱۳۷۳). سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسن صابری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بی‌نا (۱۳۹۴). «تفاوت‌های داعش و سفیانی در چیست؟»، سایت خبرگزاری فارس، ۱۰ خرداد.
- بی‌نا (۱۳۹۴). «موافقت شورای امنیت با هر اقدامی علیه داعش»، fa.alalam.ir، ۳۰ آبان.
- پیرس، جان و رایینسون، ریچارد کنت (۱۳۷۶). برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران، یادواره کتاب.
- چارلز، شوانک (۱۳۷۰). مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- حیدری، محمد شریف (۱۳۸۸). «سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد تقریب اسلامی»، نشریه طلوع، سال هفتم، شماره ۲۷، بهار، ص ۱۰۶ - ۸۵.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳). «سخنرانی برای اقشار مختلف»، سایت رهبری، ۲۵ مرداد.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ الف). «هراس غرب از عمق استراتژیک ایران»، سایت رهبری، ۲۸ مهر.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ ب). «سخنرانی برای اقشار مختلف»، سایت رهبری، ۲۱ مهر.
 خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ ج). «سخنرانی برای اقشار مختلف»، سایت رهبری، ۱۳ شهریور.
 دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). «راه کارهای فرهنگی مبارزه با تروریسم تکفیری»، سایت هایلیان، ۲۰ بهمن.

رزوانی، علی اصغر (۱۳۹۳). فتنه و هابیت، قم، مسجد مقدس جمکران.
 الزرقاوی، ابومصعب (۱۳۹۳). «مانیفست داعش چیست؟»، سایت آنا، ۲۴ خرداد.
 سبحانی، جعفر (۱۳۷۷ الف). «توافق محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۸، شماره ۱۲، ص ۲۳-۷.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۷ ب). سلفی‌گری در آینه تاریخ، قم، توحید.
 سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر ج.ا.ا»، مطالعات راهبردی، ۴۷، بهار، ص ۱۲۲-۹۵.

عباس‌زاده، مهدی (۱۳۸۸). «نیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاه بر القاعده)»، مجله سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، ص ۱۲۸-۱۰۹.

عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۹۱). اسلام در شرق آفریقا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). «هشدار درباره تکفیری‌ها»، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی، ۲۵ مهر.

ملکی، عباس (۱۳۹۳). «خلافت اسلامی و تغییر مرزها»، روزنامه همشهری، ۱۵ تیر، ص ۱۰.
 موسوی، امیر (۱۳۹۳). «نقش ایران در حل بحران داعش»، سایت تدبیر، ۲۶ خرداد.
 نعمان، عصام (۱۳۹۳). «نقش داعش برای آمریکا و ایران»، سایت بهارنیوز، ۱ مرداد.
 اریک هابسام (۱۳۹۳). سایت رهبری، ۲ مهر.

هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۹۲). چالش‌های وهابیت، تهران، دانشگاه امام صادق.